

پیشگیری و شیوع بیماری حصبه در دوره پهلوی اول (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ه.ش)

متین سادات اصلاحی^{الف*}^{الف}گروه تاریخ و ایران‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

حصبه (تیفوئید) از بیماری‌های عفونی است که علل شیوع آن رعایت نکردن بهداشت و استفاده از آب آلوده می‌باشد. به دلیل شرایط نامطلوب بهداشت، شیوع این بیماری در اصفهان نسبت به سایر شهرهای ایران بیشتر بود. در این راستا برای جلوگیری از بروز و شیوع بیماری حصبه، وضعیت بهداشت اصفهان و اقدامات انجام شده مورد بررسی قرار خواهد گرفت. شیوه تبیین این مقاله، توصیفی-تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات، اسنادی و کتابخانه‌ای است. گردآوری داده‌ها از طریق فیش‌برداری کتاب‌های تاریخی، اسناد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی) و روزنامه محلی اصفهان، منتشر شده در بازه زمانی (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ه.ش)، صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دولت پهلوی با اقدامات مؤثری نظیر احیا، بازسازی و لایروبی قنات، جلوگیری از شست‌وشو در نهرها و پوشاندن آنها، سامان‌دهی یخچال‌ها، دوش‌دارکردن حمام‌ها، احداث غسالخانه، تلقیح واکسن و آموزش بهداشت توانست از بروز و شیوع بیماری حصبه در اصفهان پیشگیری کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد مشکلات بهداشتی در دوره پهلوی سبب تشدید شیوع بیماری حصبه (تیفوئید) در اصفهان شد. در این راستا، اقدامات نوین بهداشتی دولت پهلوی از میزان مبتلایان این بیماری و مرگ‌ومیر ناشی از آن کاست و در بهبود وضعیت بهداشت و پیشگیری از بیماری حصبه مؤثر واقع شد.

تاریخ دریافت: اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: تیر ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها: تب تیفوئید؛ بیماری‌های واگیر؛ تاریخ پزشکی

مقدمه

زمانی که حکومت پهلوی اول در سال ۱۳۰۴ ه.ش پایه‌گذاری شد، در زمینه بهداشت شهری اقداماتی جهت نوسازی، اصلاحات و پیشرفت انجام شد. دولت برای رسیدگی بیشتر به وضعیت شهری، در سال ۱۳۰۹ ه.ش نهادی به نام بلدیّه را تأسیس کرد که یکی از وظایف آن رسیدگی به وضعیت بهداشت شهرها بود (۱). به این ترتیب، این اقدام گام مهمی در راستای بهبود بهداشت عمومی و اقدامات پیشگیری از بیماری‌ها بود. شیوع و گسترش انواع بیماری‌های واگیردار در شهرهای ایران از وضعیت نامطلوب بهداشت شهری ناشی می‌شد. در این میان شیوع و گسترش بیماری حصبه (تیفوئید) در اصفهان به دلیل شرایط نامطلوب بهداشت آب، نسبت به دیگر شهرهای ایران بیشتر بود، اما دولت پهلوی توانست در حوزه مدیریت شهری برای سامان‌دهی بهداشت آب و جلوگیری از آلودگی آن، با اقداماتی مانند احیا، بازسازی و

لایروبی قنات، جلوگیری از شست‌وشو در نهرها و پوشاندن آنها، سامان‌دهی یخچال‌ها، دوش‌دارکردن حمام‌ها، احداث غسالخانه، تلقیح واکسن و آموزش در جهت ایجاد آگاهی در بین عموم جامعه، گام‌های مؤثری را در جهت ارتقای سطح بهداشت جامعه بردارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که موضوع پژوهش حاضر پیشینه درخور توجهی ندارد و در حوزه پژوهش‌های تاریخی مغفول مانده است. تنها پژوهش انجام‌شده مقاله‌ای است با عنوان «بررسی علل شیوع بیماری تیفوئید در ایران در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۴ ه.ش» (۲۰۱۶ م) از سلیمان حیدری که به وضعیت بیماری حصبه و علل شیوع آن در دوره جنگ جهانی دوم می‌پردازد (۲). مصطفی ندیم در مقاله «بررسی سندی مربوط به واقعه حصبه در سال ۱۳۲۲ ه.ش (۱۹۴۳ م) در شیراز» شیوع بیماری حصبه و تلفات انسانی ناشی از این بیماری را توصیف می‌کند (۳). مقاله دیگری با عنوان «بررسی وضعیت بهداشتی شهر اصفهان در طی سال‌های

(۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ه.ش) «(۱۳۹۰ ه.ش) از بنکدار و دیگران به اقدامات دولت در جهت سامان‌دهی بهداشت در شهر اصفهان می‌پردازد و اشاره‌ای جزئی به جلوگیری از شیوع بیماری‌های واگیردار کرده است (۴). وجه تمایز و تفاوت پژوهش حاضر با تحقیقات پیشین در این است که محدوده زمانی تحقیق، دوره ۱۶ ساله حکومت رضاشاه و محدوده مکانی تحقیق، شهر اصفهان انتخاب شده تا با تمرکز بر یک منطقه خاص، مطالعه عمیق‌تر و دقیق‌تری صورت بگیرد؛ به‌ویژه این‌که، اسناد باقی‌مانده از اصفهان در مورد شیوع بیماری حصبه (تیفوئید) در دولت پهلوی اول بیشتر از سایر شهرهاست.

ملاحظات اخلاقی

اصالت منابع و پرهیز از جانب‌داری در مراجعه به متون یا تحلیل‌ها به‌طور کامل رعایت شده است.

روش کار

اطلاعات و داده‌های پژوهش حاضر، به‌صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده و داده‌ها با رویکرد توصیفی-تحلیلی با تکیه بر اسناد (سازمان اسناد و کتابخانه ملی) و روزنامه محلی اصفهان ارائه شده است. مقاله حاضر جستاری در پاسخ به این سؤال است که دولت پهلوی (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ه.ش)، برای پیشگیری از شیوع بیماری حصبه در اصفهان چه اقداماتی انجام داد؟

یافته‌ها

اقدامات دولت پهلوی در پیشگیری از شیوع بیماری حصبه (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ه.ش)، بخشی از تلاش گسترده برای بهبود زیرساخت‌ها و خدمات بهداشت عمومی در سراسر کشور بود. بنابراین تمرکز بر اقدامات بهداشتی برای پیشگیری از شیوع بیماری‌های واگیردار در اصفهان، تأثیر سیاست‌های دولت بر سلامت عمومی در این دوره را روشن می‌کند.

بیماری حصبه

حصبه (نام‌های دیگر: سُرخچه، تَب روده، تَب تیفوئید، مطبقة) یک بیماری عفونی و علائم مشخصه آن تب مداوم، پیچیدگی انساج لنفی، گاهی جراحات روده‌ها، بزرگ‌شدن طحال، ظهور لکه‌های قرمز رنگ در پوست، اسهال و گاهی هم یبوست، همچنین نبض ضعیف و سایر اغتشاشات مزاجی

است. این بیماری در اواخر تابستان و اوایل پاییز بیشتر شیوع پیدا می‌کند و دوره نهفتگی آن از پنج تا چهارده روز گزارش شده است. حصبه به آهستگی شروع می‌شود و ابتدا درجه حرارت بدن کمی بالا می‌رود. سپس شخص دچار کسالت و سردرد مختصری می‌شود و پس از چند روز درد اعضای بدن، احساس ضعف و خستگی و کاهش اشتها رخ می‌دهد. اما در مواردی بیماری به‌صورت ناگهانی ظاهر می‌شود و توأم با تب و لرز است (۵).

بیماری‌های مهم میکروبی، ویروسی و انگلی به چند روش منتشر می‌شوند: الف) در روش مستقیم، بیماری از طریق ادرار و مدفوع فرد بیمار یا راه‌های دیگر وارد آب شده و باعث ایجاد بیماری می‌شود. وجود سگ‌های ولگرد در جوی‌ها و راه‌های آب منازل و واردشدن مدفوع آنها به آب باعث شیوع بیماری‌های انگلی می‌گردد. انگل‌ها از راه دهان و پوست و با آشامیدن آب آلوده یا تماس با آن، به‌طور مستقیم وارد بدن شخص سالم می‌شوند و او را بیمار می‌کنند. بیماری‌هایی چون حصبه، وبا، انواع اسهال‌های عفونی، باسیلی و آمیبی، یرقان عفونی، فلج اطفال و سایر بیماری‌های ویروسی از طریق دستگاه گوارش یا استحمام در آب‌های آلوده به انسان منتقل می‌شوند؛ ب) در روش غیرمستقیم، آب که محیط مناسبی برای رشد و تکثیر و انتقال بیماری‌هایی چون مالاریا و تب زرد است، به‌طور غیرمستقیم باعث ایجاد بیماری می‌شود (۶).

شیوع حصبه در اصفهان (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰ ه.ش)

در اوایل حکومت پهلوی اول، به‌دلیل نداشتن آگاهی و فقدان امکانات، وضعیت بهداشت عمومی نامطلوب بود؛ به‌گونه‌ای که اغلب مردم بهداشت عمومی را رعایت نمی‌کردند و نبود آب آشامیدنی سالم، بی‌توجهی به بهداشت مسکن، و فور حشرات موذی و ... شرایط نامساعدی را از نظر بهداشتی به وجود آورده بود. در این دوره امکانات بهداشتی از قبیل بیمارستان‌ها و بهداری‌ها به حد کافی وجود نداشت و نظافت معابر و آب‌ها اغلب رعایت نمی‌شد. همچنین پزشکان آموزش‌دیده ایرانی بسیار کم بودند (۷). بیماری‌هایی نظیر وبا، آبله، امراض مقاربتی و سل ازجمله بیماری‌هایی بودند که در

اصفهان شیوع داشت، اما حصبه از شایع‌ترین بیماری‌های مسری به‌شمار می‌رفت که عمدتاً در شهرها رایج بود (۸). نخستین گزارش درباره شیوع بیماری حصبه در اصفهان را «روزنامه اخگر» ارائه داده است که در آن هشدارهای لازم نسبت به وضعیت بهداشتی داده شده بود (۹). مطابق این گزارش در خصوص شیوع این بیماری، در مرخصخانه نسوان مرسلین اصفهان، سه نفر از پرستاران به بیماری حصبه مبتلا شده و دو نفر از آنها فوت شدند (۱۰). این توصیف از وضعیت بهداشتی شهر اصفهان حاکی از آن است که در اوایل حکومت رضاشاه هنوز اقدامات جدی در زمینه بهداشت عمومی شهر صورت نگرفته بود. بنابراین بروز و شیوع این بیماری دولت را به فکر انداخت که اقدامات جدی‌تری در زمینه بهداشت شهر انجام دهد.

در این راستا، دولت پهلوی در سال ۱۳۰۵ ه‍.ش، نهادی را به نام «اداره صحیه» تأسیس کرد تا در رسیدگی به جلوگیری از شیوع بیماری‌ها و ارتقای بهداشت عمومی اقدامات لازم را به کار ببندد؛ مثلاً زمانی که این بیماری در سفیددشت شیوع یافت، اداره صحیه نظارت مستمر را در این ناحیه انجام داد (۱۱). در شهرستان‌های اصفهان، که نسبت به مرکز شهر امکانات بهداشتی و رفاهی کمتری داشتند، ابتلا به این بیماری افزایش یافته بود (۱۲). از این‌رو دولت با جدیت بیشتری پزشکان و مأموران اداره صحیه را برای کنترل و پیشگیری از این بیماری به سایر شهرستان‌ها فرستاد؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به گزارش‌های واصله مستمر و مکرر مژمر دکتر لبیب، «رئیس صحیه اصفهان» (۱۳) و دکتر شهاب «رئیس صحیه اردستان»، اشاره کرد (۱۴).

علی‌رغم پیگیری‌های مستمر در نیمه دوم حکومت پهلوی، تقریباً از سال ۱۳۱۲ ه‍.ش، بر شدت بیماری حصبه افزوده شد و دولت با موانع و مشکلات زیادی مواجه گردید. برای پیشگیری جدی‌تر از این بیماری، پزشکان موظف شدند همکاری بیشتری را با فرمانداری‌های هر ناحیه داشته باشند. در حسن‌آباد اصفهان زمانی که بیماری حصبه شیوع یافته بود، حکمران اصفهان دو نفر از اطباء محلی را مأمور کرد تا هر روز موضوع را زیر نظر بگیرد و بررسی بیشتری انجام دهند

(۱۵). همچنین از طرف حکمران، طبیب و دوا به منطقه سین (برخوار) و گرگاب (شاهین‌شهر و میمه) اعزام شد تا بیماری کاهش یابد (۱۶). در اواخر سال ۱۳۲۰ ه‍.ش، شیوع بیماری حصبه در شهرستان‌های اصفهان به‌تدریج افول پیدا کرد. از گزارش‌هایی که به‌صورت مستمر در روزنامه اخگر چاپ شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: «در حسین‌آباد و دولت‌آباد تیفوئید تخفیف یافت» (۱۷). «در قریه مبارکه لنجان، حصبه بروز نمود که رئیس صحیه شهرداری با دواجات لازمه به آنجا اعزام شدند» (۱۸). «در اثر اقدامات فوری حکمران، مرض تیفوئید، که اخیراً در قریه ولدان بروز نموده، به کلی رفع شد» (۱۹). «در طی بازرسی‌ای که مأموران صحیه در سال ۱۳۱۷ ه‍.ش از اصغرآباد سده اصفهان انجام دادند، آثاری از مرض مزبور دیده نشد و به کدخدای محل دستور داده شده بود که اگر مرض مجدداً حادث شد فوری اطلاع دهد تا از آن جلوگیری شود» (۲۰). «شیوع بیماری حصبه در قراء فریدن در سال ۱۳۲۰ ه‍.ش با اقدامات عاجل و فوری پزشک بهداری رفع شد» (۲۱). «به‌منظور تحقیق و درمان، تمام اهالی جرقویه سفلی مورد معاینه قرار گرفتند. به علاوه از چهل نفر از اهالی دهستان مزبور که بستری بودند عیادت به عمل آمد و معلوم شد که هیچ‌یک از آنها مبتلا به بیماری تیفوئید نبودند و کوچک‌ترین آثاری از بیماری در آنها وجود نداشت» (۲۲). به‌طور مثال در بعضی از شهرستان‌های اصفهان مانند داران، با مساعدت و همکاری بهداری اصفهان، بیمارانی که به حصبه مبتلا شده بودند برای درمان به اصفهان منتقل شدند (۲۳). مطالعه و بررسی این گزارش‌ها نشان می‌دهد که به‌دلیل توجه و اقدامات دولت به بهداشت شهری در پیشگیری از بیماری حصبه، تأسیس اداره صحیه، همکاری طبیبان و گزارش‌های مستمر و مکرر به فرمانداری اصفهان و سایر شهرستان‌ها، شیوع این بیماری به‌تدریج کاهش یافت. البته باید اذعان کرد که همکاری مردم با اطباء و مراجعه زودهنگام به بهداری‌ها، روند افول بیماری را سرعت بخشید. بنابراین توجه به شناسایی و چگونگی شیوع بیماری حصبه، گامی نخست در کنترل و پیشگیری از این بیماری بود.

اقدامات دولت پهلوی

۱. احیا، بازسازی و لایروبی قنات

قنات به عنوان یکی از منابع تأمین کننده آب از جایگاه خاصی برخوردار است و مطمئن ترین سازه برای تأمین آب در مناطق روستایی، به ویژه در اقلیم های خشک و نیمه خشک، محسوب می شود (۲۴). نقش قنات در آبیاری زمین های زراعی و تأمین آب آشامیدنی آن چنان مؤثر است که می توان خطر ابتلا به بیماری های منتقله از طریق آب مانند بیماری حصبه را به میزان قابل توجهی کاهش داد. یکی از دلایل ماندگاری قنات را باید در توجه به حریم قنات و نظارت بر لایروبی آن، یعنی حذف رسوبات و زباله از قنات برای جلوگیری از گسترش بیماری دانست. ساختار زندگی سنتی مردم اصفهان و وابستگی کشاورزی به آب و به تبع آن به قنات، موجب شد که در این دوره عراض متعددی راجع به رسیدگی بیشتر به منظور دستیابی به آب آشامیدنی سالم و تمیز صورت بگیرد؛ به عنوان مثال می توان به عریضه اهالی روستای پیکان جرقویه سفلی از توابع اصفهان اشاره کرد که مأموران حکومت در لایروبی قنات کوتاهی کردند (۲۵). بنابراین برای افول بیماری حصبه در این دوره، قنات های مخروب در روستاهای اصفهان مورد توجه دولت قرار گرفت (۲۶)، اما به رغم پیگیری مستمر دولت، در بعضی از مناطق مانند عاشق آباد و ورنوسفاداران سده، لایروبی قنات به درگیری محلی نیز ختم شد (۲۷). تأمین اعتبار و بودجه برای احیا، بازسازی و لایروبی قنات یکی از اقدامات مهم دولت بود که برای اغلب شهرستان های اصفهان در نظر گرفته شده بود؛ به عنوان مثال می توان به بازسازی قنات های شهرضا (۲۸) و لایروبی قنات خوانسار اشاره کرد که مبلغی توسط دولت اختصاص داده شد (۲۹). تسریع در روند شناسایی و بهبود قنات های مخروبه با بازرسی و نظارت های مستمر فرمانداری اصفهان در جهت تأمین آب سالم و بهداشتی مؤثر بود؛ به عنوان نمونه می توان به سرکشی و بازدید آقای دبیر سیاقی در نجف آباد، با معتمدین محلی اشاره کرد که برای تنقیه قنات های مهم و مخروبه نجف آباد اقدامات لازم را انجام دادند (۳۰). در بخشداری نایین اقداماتی که برای اصلاح قنات انجام داده بودند به این صورت گزارش شد: «طبق قانون عمران، مالکین را وادار به اصلاح و تعمیر قنات نمایند و

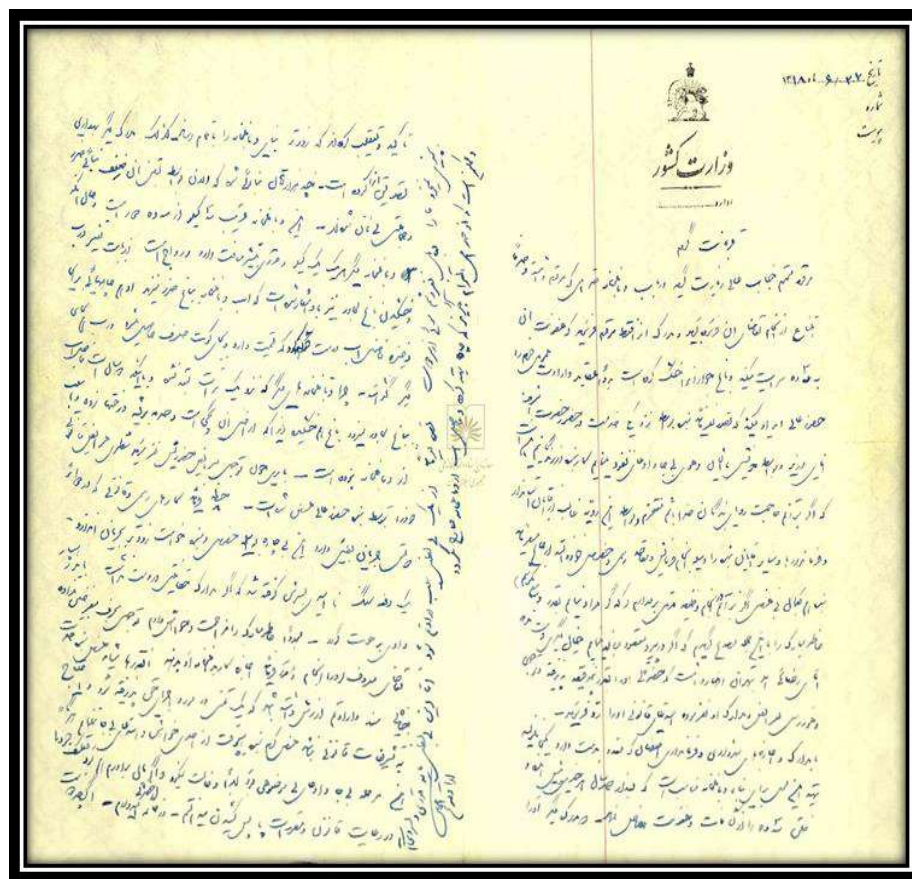
منتهای جدیت و مراقبت را در این مورد به عمل آورید که تمام قنات اصلاح و در آب ها افزایش حاصل شود» (۳۱). در این راستا بخشداری هر منطقه برای احیای قنات ها، مدت معینی را برای مالکان در نظر گرفت (۳۲) و فرمانداری اصفهان اصلاح و احیای قنات های شهرستان های اصفهان را در دستور کار خود قرار داد (۳۱). در نهایت در سال ۱۳۱۸ هـ.ش، انجام امور عمرانی از جمله لایروبی قنات ها در اغلب شهرستان های اصفهان تکمیل شد (۳۳). لایروبی منظم قنات با هدف پیشگیری از بیماری ها برای تأمین آب شیرین شهرها بسیار مهم بود، اما از آنجا که بخش زیادی از آب مصرفی مردم اصفهان برای آبیاری محصولات کشاورزی مصرف می شد، توجه به مسائل و مشکلات موجود از جمله احیا، بازسازی و لایروبی منظم قنات ها و ارائه راهکارهای عملی و اجرایی جهت بهبود وضعیت آنها در شهرهای گرم و خشک اهمیت بسزایی داشت که در صورت نظارت نکردن دقیق و مستمر در استفاده از آب سالم قنات ها، ابتلا به بیماری های واگیردار بیشتر می شد.

۲. جلوگیری از شست و شو در نهرا و پوشاندن آنها

یکی از مشکلاتی که بر شدت بیماری حصبه می افزود، بازبودن سطوح مجاری آب در شهرها بود که اجتناب از شست و شو در نهرا به کاهش خطر ابتلا به این بیماری کمک می کرد. در اصفهان جوی و نهراهای متعددی وجود داشت که از آب آنها برای آشامیدن و آبیاری زمین های کشاورزی استفاده می کردند. روزنامه اخگر در انتقاد از آلودگی آب مادی های شهر اصفهان نوشته است: «سبزی فروش، سبزی های خود را در نهر آب می شوید. اگر قدری مجرای نهر را گرفته و بالاتر بروید خواهید دید که یک لاشه مرده سگ در گوشه همان نهر افتاده و قدری آن طرف تر هم آقای کلاه مال باشی مشغول شستن کلاه های خویش و سیاه کردن نهر است» (۳۴). بنابراین پوشاندن نهرا و جلوگیری از شست و شوی البسه تصمیم مهم و جدی دولت در اصفهان برای مهار بیماری حصبه بود (۳۵). فعالیت صنف چرم سازی و دباغی، از دیگر مشکلاتی بود که به آلودگی آب های جاری در اصفهان منجر شد. به همین منظور از دباغان شهر تعهد گرفته شد که از شست و شوی پوست های دباغی در آب های جاری خودداری کنند. پیش از این، صنف

به آهک، زاج و مواد دیگر را آزادانه در آب‌های جاری شهر شست‌وشو می‌دادند (تصویر ۱) (۳۶).

دباغ‌ها در آب‌های جاری شهر و دهات اطراف، به تأسیس کارخانه‌های دباغی اقدام کرده بودند و پوست‌های متعفن آلوده



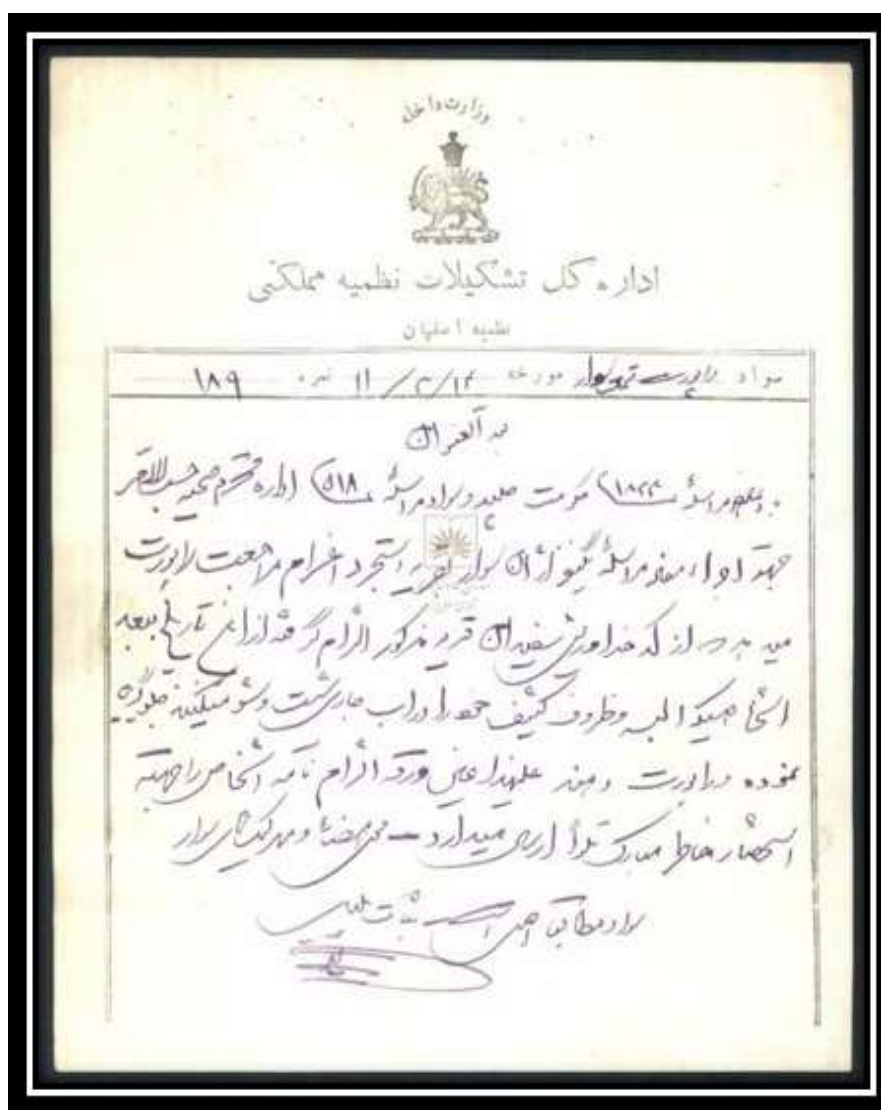
تصویر ۱. تقاضای صنف دباغی در خصوص ایجاد دباغ‌خانه در سده اصفهان (۳۷)

روی مجاری پوشیده نشود غیرممکن است». بااین حال وزارت داخله مقرر کرده بود: «شهرداری‌ها و پزشکان بهداری مراقبت نمایند که مردم از شست‌وشوی ظروف و لباس‌ها و اشیاء در آب‌های جاری خودداری کنند و در صورتی که پوشاندن مجاری آب امکان داشت حتی‌المقدور اهتمام کامل از طرف شهرداری به عمل آید و در قسمت‌هایی که این امر مقدور نبود نسبت به پاک نگه‌داشتن آب جاری و جلوگیری از آلوده‌شدن آن بر اثر شستن ظروف و لباس‌ها و اشیاء، مراقبت‌های کامل به عمل آورند. همچنین تأکید شده بود که شهربانی و شهرداری در اجرای دستورات و همکاری با پزشکان بهداری توجه لازم را داشته باشند». این بخشنامه

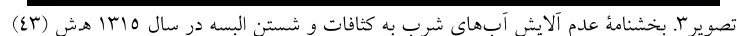
در اسناد موجود مواردی از جمله شست‌وشوی لباس‌های بیماران مریض‌خانه احمدیه و مرسلین اصفهان در نه‌رها، که زمینه‌ساز شیوع بیماری حصه بود، گزارش شده است. البته اداره صحتیه در این خصوص از مسئولان این دو مریض‌خانه تقاضا کرد که روی نهر را بپوشانند (۳۸). به‌منظور پیشگیری و کنترل بیماری حصه، بخشنامه‌ای توسط وزارت داخله مبنی بر جلوگیری از آلوده‌شدن آب‌های جاری در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۱۶ ه.ش به همه شهرها ابلاغ شد. در این بخشنامه آمده است: «برحسب تشخیص و توضیح اداره کل بهداری، بروز مرض به این خاطر است که اهالی از آب‌های جاری آلوده می‌آشامند و جلوگیری از آلوده‌شدن آب تا موقعی که

گرفت. ادارهٔ بلدیّه دستور به ساخت رختشوی‌خانه داد (۴۰) و هدف از ساخت آن را تأمین امنیت و آسایش زنان به هنگام شست‌وشوی لباس در یک مکان سرپوشیده، رسیدگی به وضعیت تعمیر و یا خرابی آن عنوان کرد (۴۱). احداث رختشوی‌خانه به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه، خطر آلودگی و انتقال عوامل بیماری‌زا را از طریق شست‌وشوی لباس کاهش داد و به‌عنوان راهی برای جلوگیری از شیوع بیماری حصبه مؤثر بود.

برای رفع مشکل آلودگی آب‌های جاری از سوی استانداری کل به سایر شهرستان‌های اصفهان ابلاغ شد و به ادارهٔ بهداشتی شهرداری شهرستان‌های اصفهان دستور داده شد: «مانع از شست‌وشوی لباس و ظروف در آب‌های جاری شهر شده و چنانچه فردی مبادرت به این کار کرد، او را به ادارهٔ شهرداری معرفی کنند تا برای جلب وی اقدام و براساس مقررات قانونی با او رفتار شود» (تصویر ۲ و ۳) (۳۹). به‌دنبال پیگیری‌های مستمر، دولت تصمیم به احداث رختشوی‌خانه



تصویر ۲. دستور جلوگیری از شست‌وشوی البسهٔ آلوده و ظروف در آب‌های جاری در سال ۱۳۱۱ ه‍.ش (۴۲)



۸۳

رسیدگی به نظافت و بهداشت یخ مشکلاتی را به همراه داشت (۴۸). بنابراین ضرورت تأسیس یخچال‌ها احساس شد و سرانجام در سال ۱۳۲۰ ه.ش، دولت تصمیم به ساختن یخچال در اصفهان و سایر شهرستان‌های آن گرفت (۴۹).

۴. دوش‌دارکردن حمام‌ها

حمام (گرمابه)‌ها از جمله اماکنی هستند که با بهداشت عمومی ارتباط مستقیم دارند. با تأسیس نهادهای به نام بلدییه برای سامان‌دهی مسائل بهداشتی و درمانی شهر اصفهان، تصمیمات جدیدی در زمینه «مراقبت در پاکیزگی حمام‌ها» گرفته شد. به همین منظور مقرراتی توسط اداره بلدییه در رعایت بهداشت حمام (گرمابه)‌ها تنظیم شد (۵۰). وضعیت بهداشتی حمام‌های اصفهان در روزنامه این‌گونه توصیف شده است: «حمام‌های اصفهان بی‌اندازه کثیف و ناشر میکروب امراض مختلفه است. آب بهترین خزینه‌ها ماهی یک مرتبه عوض می‌شود. در این خزینه‌ها هر روز عده زیادی مبتلایان به امراض تناسلی و جلدی وارد می‌شوند. رؤسای محترم دوایر و متمولین خودشان اغلب دارای حمام سرخانه هستند و یا به حمام دوش می‌روند. ولی اکثریت جمعیت شهر، که ۹۵ درصد مردم را تشکیل می‌دهند، به همین حمام‌های پر از میکروب و کثافت تشریف می‌برند» (۵۱). در سال ۱۳۰۹ ه.ش، پزشک بهداشتی (اداره صحت) اصفهان، دکتر احتشام، در موضوع حمام‌ها و حمامی‌ها نظام‌نامه‌ای تحت ۱۷ ماده نوشت و در تمام حمام‌ها به دیوارها الصاق شد. این بخشنامه شامل وظایفی بود که حمامی و کارکنان حمام‌ها باید معمول دارند. حمامی‌ها به‌طور کلی همه ماهه آب خزانه را عوض می‌کردند و به مجروحین و مبتلایان به امراض مسریه و جلدی هرگز اجازه دخول در خزانه نمی‌دادند و کثافت‌کاری‌های سابق (از قبیل غسل اموات و حجامت و غیره و غیره) جزو مواد هفده‌گانه متروک گردید. دخانیات در حمام نیز نباید استعمال شود (۵۲).

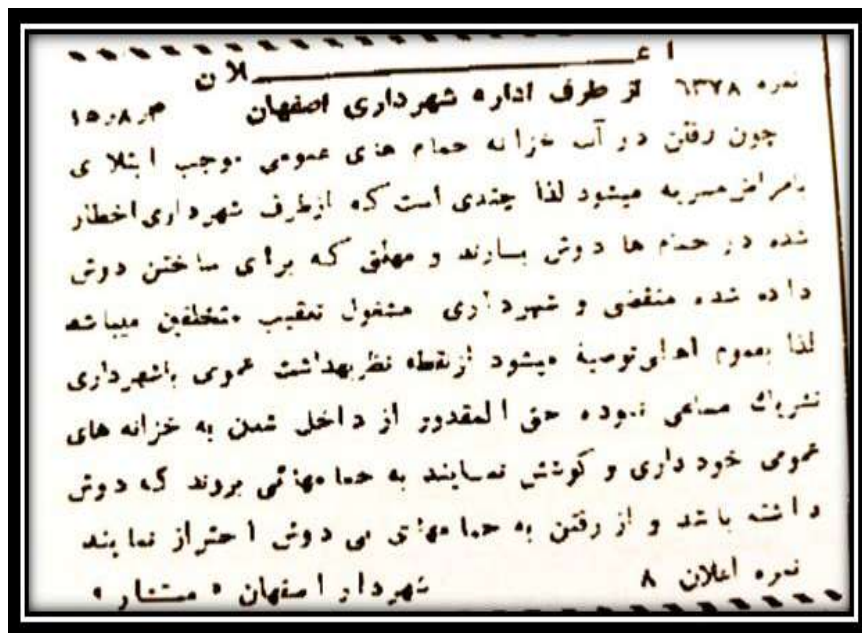
در سال ۱۳۱۱ ه.ش، نظام‌نامه دیگری برای سامان‌دهی حمام‌های شهر توسط بلدییه منتشر شد. مطابق این نظام‌نامه: «کلیه حمام‌های عمومی مردانه و زنانه، اعم از این‌که دارای دوش خصوصی باشد یا نباشد، باید یک دستگاه دوش

عمومی داشته باشند که شیرهای دوش مزبور متعدد و استفاده از آن برای کلیه مشتریان آزاد باشد. از این تاریخ به بعد اشخاصی که بخواهند حمام جدید عمومی بسازند یا حمام‌های قدیمه متروکه را تعمیر کنند، علاوه بر رعایت مقررات صنفی، لازم است قبلاً به اداره بلدییه مراجعه نموده و دستورات صادره را اجرا نمایند و در صورت تخلف از ادامه کار آنها جلوگیری خواهد شد. کارگران حمام باید توسط اطبای صحت معاینه شوند و تصدیق صحت مزاج دریافت دارند. استاد حمامی باید از ورود اشخاص مظنون به داشتن جراحات خارجی از قبیل کچلی، جرب، کوفت، سودا و ... به حمام ممانعت نماید. مخصوصاً از ورود آنها در خزینه عمومی باید جلوگیری شود. روغن مالی و ادویه در حمام به کلی ممنوع است» (۵۳). در متن این نظام‌نامه با جزئیات کامل رعایت بهداشت حمام در نظر گرفته شده بود. در سال بعد، بلدییه اصفهان رعایت بهداشت حمام را جدی‌تر گرفت و حمامی‌ها را ملزم کرد تا آخر فروردین ۱۳۱۲ ه.ش، حداقل یک دوش در حمام نصب کنند. روزنامه اخگر این اقدامات جدی بلدییه را مورد تمجید قرار داد و نوشت: «سعی شود تا آخر مدت مقرر، حمام‌ها دارای دوش گردد و مخصوصاً مراقبت شود که منبع آب دوش با خزینه عمومی، مثل بعضی از حمام‌های دوش فعلی، یکی نبوده و برای دوش، منبع آب جداگانه‌ای ساخته شود» (۵۴). همچنین از سوی شهرداری تأکید و اعلان شد که مالکان و مستأجران حمام‌های شهر تا اول آبان باید به ساخت دوش و تهیه چاه‌های فاضلاب برای حمام‌های خود اقدام کنند (۵۵). در این راستا روزنامه اخگر با هدف افزایش آگاهی، به‌کرات دوش‌دارکردن حمام را به مردم و دولت گوشزد می‌کرد (۵۶).

اعلان‌های گوناگونی از طرف شهرداری درباره اهمیت استفاده از دوش در حمام‌ها در روزنامه‌ها چاپ می‌شد، مانند: «رفتن به خزانه حمام‌های عمومی موجب ابتلا به امراض مسری می‌شود. لذا شهرداری از کلیه حمامی‌ها خواسته است که خزانه‌ها را بسته و دوش نصب کنند. از اهالی نیز تقاضا نمودیم که از دوش استفاده کنند» (۵۷). تلاش بلدییه در راستای دوش‌دارکردن حمام‌ها تا جایی پیش رفت که از طرف

دایره تفتیش شهرداری، مدت زمان مشخصی برای دوش دار کردن حمام‌ها در نظر گرفته شد و در پایان موعد، صاحبان آنها تحت تعقیب قرار می‌گرفتند (۵۸). اما ظاهراً این امر سریع و راحت محقق نشد. در این میان عده‌ای از حمامی‌هایی که اقدام به نصب دوش نکرده بودند به شهرداری احضار شدند و از آنها تعهد گرفته شد که در حمام دوش نصب کنند (۵۹). در شهرستان‌های اصفهان، نظارت بر رعایت بهداشت حمام‌ها از سوی پزشک توسط بهداشتی صورت می‌گرفت؛ به‌طور مثال می‌توان به گزارش پزشک بهداشتی در حمام خمینی‌شهر اشاره کرد که می‌نویسد: «گرمابه‌ها کثیف و متعفن و دارای آب‌های کثیف و غیرمعتدل‌الحرار و نیز فاضلاب گرمابه‌ها بدون سرپوش و نزدیک به خانه‌های ویران‌شده و پر از کثافات و خاشاک و ... است. دستور فرمایید مطابق مقررات بهداشتی رفتار نمایند»

(۶۰). در این راستا یکی از اقدامات اداره بهداشتی خمینی‌شهر در سال ۱۳۱۷ ه.ش علاوه بر معاینه و معالجه بیماران، معاینه حمامی‌ها و نوکردن (عوض کردن) آب حمام‌ها بود (۶۱). تا سال ۱۳۱۹ ه.ش، همه حمام‌های شهر اصفهان به اجبار شهرداری دوش‌دار شدند، اما بعضی از مردم، خواهان استفاده از خزینه‌های سابق بودند. لذا از طرف شهرداری بازرسی دقیق صورت گرفت و کلیه دریچه‌های خزینه‌ها گرفته و کف حوض‌های آب نیز پر شد (۶۲). میزان استقبال مردم تا جایی پیش رفت که گزارش شد عده‌ای از صاحبان گرمابه‌های شهر، در خزینه‌های خود را باز کرده و به‌طور محرمانه در دسترس مشتریان خود گذاشته بودند؛ بنابراین صاحبان شش باب از این گرمابه‌ها که سه نوبت این خلاف را مرتکب شده بودند به‌وسیله دادگاه شهرداری احضار شدند و گرمابه‌های آنها تعطیل شد (تصویر ۴) (۶۳).



تصویر ۴. اخطار جهت ساخت حمام‌های دوشی به منظور حفظ بهداشت عمومی (۶۴)

۵. احداث غسالخانه

یکی دیگر از اقدامات دولت در پیشگیری از شیوع بیماری حصبه، احداث غسالخانه با هدف جلوگیری از شست‌وشوی اموات در نهرها و حمام‌ها بود. بلدیۀ اصفهان،

غسالخانه‌های داخل شهر را، که از روی نهر آب وسط شهر می‌گذشت، مسدود کرد (۶۵) و رئیس صحیه شست‌وشوی اموات را در نهرها قدغن اعلام کرد (۶۶). البته عده‌ای از غسال‌ها، اموات را در منازل خود غسل می‌دادند که باعث

سرایت بیماری به دیگران می‌شد. به همین منظور از عموم غسل‌ها تعهد گرفته شد که اموات را مستقیماً به قبرستان ببرند، در غسلخانه غسل دهند و دفن کنند (۶۷). ممنوعیت فروش البسه اموات برای غسل‌ها از جمله مشکلات دیگری بود که بلدیة دستور داد غسلخانه‌ها در امور استعمال و فروش البسه اموات دقت بیشتری کنند (۶۸). همچنین تابوت‌های آهنی جایگزین عماری‌های چوبی شد و دولت عبور اجساد از بازار و خیابان را ممنوع کرد (۶۹).

دستور تعمیر و ساخت غسلخانه در خارج از شهر توسط دولت با جدیت بیشتری دنبال شد (۷۰). در عرایض و شکوائیه‌ها، به ویرانی و خرابی غسلخانه‌های شهرستان‌های اصفهان، از جمله مبارکه، اشاره شده است که خواستار پیگیری دیوارهای رو به خرابی و تکمیل ساختمان شدند. در این راستا پزشک بهداشتی این شهرستان با کمک بخشداری تصمیم به احداث مجدد ساختمان و دیوارکشی غسلخانه گرفت (۷۱). در گزارشی دیگر به لزوم ساخت غسلخانه در درجه پیاپی اشاره شده است. در سال ۱۳۲۰ هـ.ش عریضه‌ای به ریاست اداره آمار و ثبت احوال ارسال شد با این مضمون: «ده درجه پیاپی غسلخانه ندارد و چندین مرتبه به کدخدای تذکر داده شد که غسلخانه برای یک ده بزرگ مثل درجه پیاپی احتیاج است. همچنین کدخدای لایقی وجود ندارد که تاکنون اقدامی کرده باشد. نبودن غسلخانه افراد را مجبور کرده که مرده خود را در رودخانه بشویند و به خاک بسپارند». در ادامه نامه آمده است: «کدخدایان و سرطاق‌های درجه پیاپی شروع به ساختن غسلخانه کنند و در مدت ۳ ماه ساختمان را به اتمام رسانند و این ساختمان باید طبق دستور بهداشت اصفهان باشد» (۷۲). از متن چنین گزارش‌ها و شکایاتی می‌توان دریافت که تأکید بر احداث غسلخانه‌ها به منظور حفظ و تأمین سلامت عمومی و بهداشت شهر مؤثر بود.

۶. تلقیح واکسن

در دوره پهلوی، به منظور جلوگیری از بروز و شیوع بیماری حصبه، در سال ۱۳۰۹ هـ.ش، واکسن ضدحصبه وارد شد و افراد به‌طور رایگان واکسینه شدند (۷۳). به تدریج سرم‌های ضدحصبه تولید و توزیع شد و از طرف اداره صحیه

ابتدا به دانش‌آموزان مدارس و سپس به عموم مردم تزریق شد (۷۴). مردم برای جلوگیری از ابتلا به این بیماری و کاهش مرگ‌ومیر، به انجام واکسیناسیون ترغیب شدند. بنابراین تلقیح واکسن حصبه در شهرستان‌های اصفهان انجام شد (۷۵) و دولت اعلام کرد در مراکز درمانی و بهداشتی خاص واکسن بزنند. بیمارستان خورشید یکی از این مراکز بود (۷۶) که از داوطلبان خواسته شد به این مرکز مراجعه و واکسن مجانی بزنند (۱۱). همچنین به اطباء اطلاع داده شد که برای گرفتن واکسن حصبه به اداره صحیه مراجعه کنند (۴۰). در نهایت از طرف اداره صحیه اصفهان برای تمام اطباء شهر واکسن حصبه ارسال شد (۷۷). آگاهی‌بخشی برای جلوگیری از بیماری حصبه با تلقیح واکسن یکی از راهکارهای دولت برای مبارزه با این بیماری بود؛ بنابراین در روزنامه اخگر اعلانی از طرف صحیه بلدیة اصفهان با این عنوان منتشر شد: «به مریضخانه‌ها بیاپید و مجانی واکسن ضدحصبه بزنید» (۷۸). از اواسط اسفند ۱۳۱۶ هـ.ش، در شهرستان‌های اصفهان واکسن ضدحصبه توزیع شد (۷۹). اداره بهداشتی سده (خمینی‌شهر) به منظور جلوگیری از بیماری حصبه در تاریخ ۱۳۱۸ هـ.ش، اطلاعیه‌ای را با این عنوان منتشر کرد: «از مرض حصبه بترسید و برای تزریق حاضر شوید. هر کس واکسن ضدحصبه بزند امسال از این مرض مهلک در امان خواهد بود. این واکسن در ده روز دو دفعه باید تزریق شود و غیر از افراد مبتلا به تب نوبه و سیفلیس و سل همه می‌توانند تزریق کنند» (۸۰). تلقیح مجدد واکسن از جمله عوامل مؤثر در جلوگیری از بروز و شیوع بیماری بود که در کاهش بیماری اهمیت بسزایی داشت (۸۱).

علی‌رغم وجود تلاش و پیگیری‌های مستمر دولت، بعضی از شهرستان‌های اصفهان در تلقیح واکسن، همکاری و مساعدت نداشتند. در سال ۱۳۲۰ هـ.ش دکتر آذرنوش، رئیس بهداشتی اصفهان، از استقبال نکردن مردم برای واکسیناسیون شکایت کرده است و می‌نویسد: «محترماً به عرض می‌رساند در یکی از روستاهای دورافتاده اصفهان بیماری تیفوئید بروز نموده و تاکنون دو مرتبه پزشک با وسایل اعزام گردید. ولی کدخدا از حاضر کردن اهالی برای تلقیح واکسن ضدحصبه و

دادن دستورات پزشکی خودداری کرد. لذا چون مطابق گزارش واصله، بنیان بیماری هنوز قطع نشده است، استدعا دارد کدخدا را ملزم نمایید تا با پزشک اعزامی همکاری نماید که زودتر از شیوع بیشتر بیماری جلوگیری شود و مبتلایان معالجه گردند» (۸۲). در مواقعی همکاری و مساعدت بهداری با امنیه نتیجه بخش بود. فرمانداری شهرستان گلپایگان در سال ۱۳۲۰ ه.ش، یک نفر امنیه را به بهداری اعزام و به اتفاق رئیس بهداری برای تلقیح عمومی اقدام کرد (۸۱). بررسی اقدامات دولت پهلوی نشان می دهد که با جدیت و پیگیری در تلقیح واکسن ضدحصبه، تعداد مبتلایان به بیماری حصبه به حداقل رسید.

۷. آموزش بهداشت

آموزش استفاده از آب سالم و بهداشتی، در این دوره جزو اقدامات جدی دولت بود. درواقع می توان گفت سیاست های بهداشتی دولت دو هدف را دنبال می کرد: هدف اول ارتقای سطح آگاهی های بهداشتی مردم در زمینه خطراتی بود که سلامت آنها را تهدید می کرد و در همین راستا از منابع آگاه کننده بهداشتی متعددی چون سازمان های آموزشی، خانواده، دوستان و آشنایان، سازمان های علمی و وسایل ارتباط جمعی استفاده می شد (۸۳)؛ هدف دوم ایجاد و تقویت انگیزه و گرایش های بهداشتی مردم بود. مردم نسبت به خطراتی که سلامتشان را تهدید می کرد، آگاهی های لازم را نداشتند و از این رو متولیان حوزه بهداشت تصمیم گرفتند وضعیت بهداشتی مملکت را به سوی استانداردهای لازم سوق دهند (۸۴). برای ترغیب مردم به رعایت بهداشت و جلوگیری از بیماری حصبه، لازم بود مراکز صحیه اصفهان توصیه های بهداشتی را به مردم گوشزد کنند. علاوه بر آن نخستین و بهترین راه ممکن، چاپ مقالات در روزنامه ها و انتشار اعلان های صحی در سطح شهر بود که در تبیین خواسته ها و سیاست های بهداشتی دولت نقش بسزایی داشتند.

انتشار اعلان های صحی ابتدا از روزنامه محلی اصفهان شروع شد که در افزایش سطح آگاهی های بهداشتی عموم

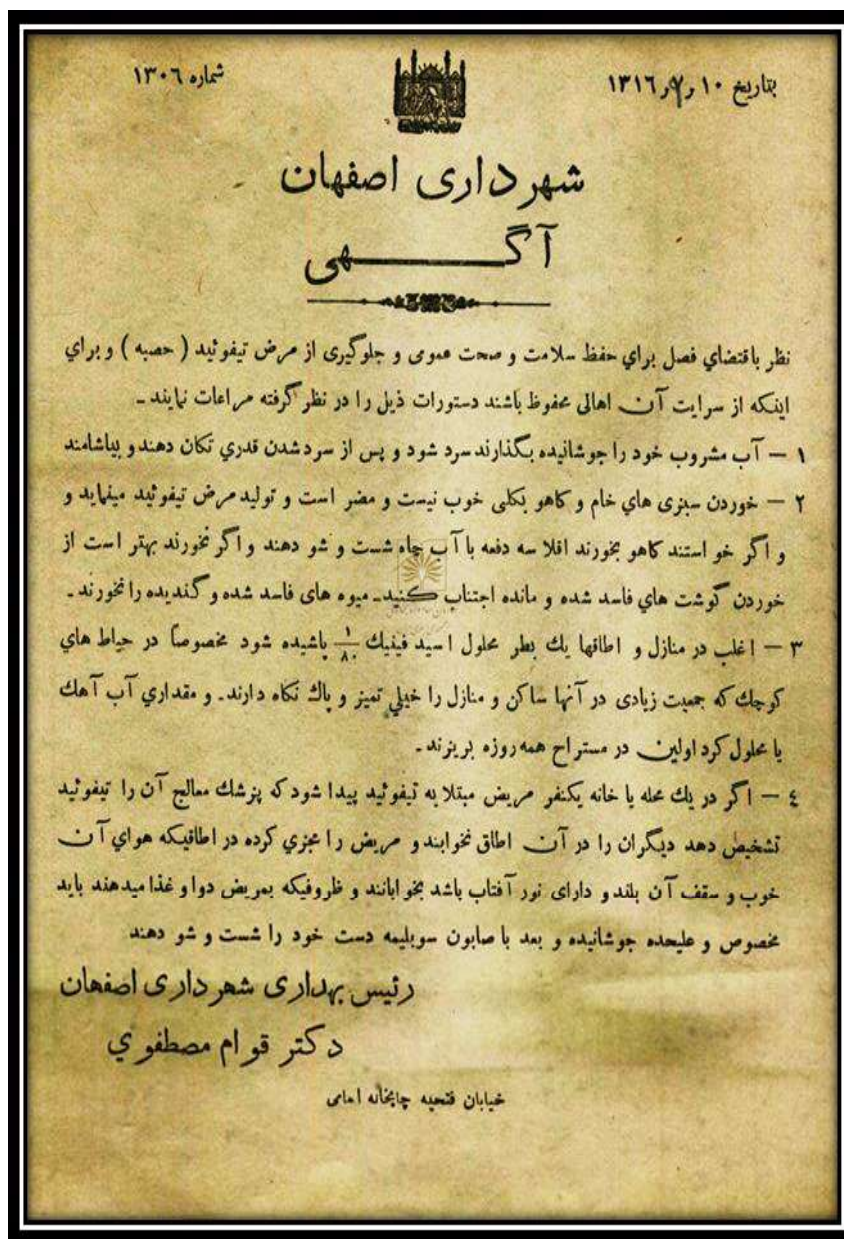
جامعه نقش مهمی داشت (۸۵). لزوم توجه دولت به شیوع بیماری حصبه و راه های جلوگیری از آن اهمیتی دوچندان یافت (۸۶). در همین راستا اداره صحیه و دایره بهداری دستورالعمل های بهداشتی را منتشر کرد (۸۷). در اسناد و گزارش های دولتی به کرات اطلاعیه هایی راجع به پیشگیری و کنترل بیماری حصبه بیان شده که به عنوان نمونه می توان به اطلاعیه بهداری اصفهان در سال ۱۳۱۷ ه.ش، با این مضمون اشاره کرد: «اگر در خانه مریض حصبه باشد، اطاق او را خیلی پاکیزه نگاه دارند و دو روز یک مرتبه لباس او را عوض کنند که شپش نگرند؛ زیرا شپش حصبه در لباس هر کس رفت مبتلا می شود. و روزی یک مقال اسید فنیک در چهار فنجان آب جوشیده و به اطراف اطاق و به سر مریض بپاشند. و اگر نباشد سرکه در ظرف کرده و بالای سر مریض بگذارند و به زودی مسهل به مریض بدهند و بعد روز پنجم نیز غیر از مسهل فلوس ضرر دارد. غذایش جوشیده و آب بدهند. نباید لباس مریض حصبه را در آب روان بشویند که آن آب به هر خانه که رفت اهل آن خانه مبتلا می شود. هر که لباس مریض حصبه را در آب روان شست، البته از اسلام دور و دشمن بندگان خداست» (۷۹). در اطلاعیه دیگری درباره روش های جلوگیری از بروز و شیوع این بیماری به عموم مردم هشدار داده شد: «مرض حصبه بدترین مرضات است. مردم، خود را حفظ کنید که مبتلا نشوید. آب جوشیده بخورید. خانه و مخصوصاً اتاق نشیمن را روزی دو مرتبه پاکیزه و آب پاشی کنید. گاو و گوسفند را از نزدیک منزل دور کنید. روزی نیم من آهک در مبال خانه بریزید. از غذای زیاد اجتناب کنید (باید معده همیشه سبک باشد و از پرخوری پرهیز کنید). گوشت زیاد نخورید» (تصویر ۵ و ۶) (۸۸). آموزش بهداشت در زمینه جلوگیری از بروز و شیوع بیماری حصبه یکی از اقدامات مهم دولت پهلوی بود که موجب رفتارهای بهداشتی صحیح و کاهش بیماری حصبه شد.

نتیجه گیری

بروز و شیوع بیماری های ناشی از آلودگی آب مانند مالاریا، سل و به ویژه حصبه، از معضلات بهداشتی در ادوار

آنها، سامان‌دهی یخچال‌ها، دوش‌دارکردن حمام‌ها، احداث غسل‌خانه، تلقیح واکسن و آموزش توانست از بروز و شیوع بیماری حصه در اصفهان پیشگیری کند. در مجموع باید اذعان کرد براساس اسناد و مدارک آرشیوی و روزنامه‌های محلی، با اقداماتی که دولت پهلوی در اصفهان انجام داد از میزان مبتلایان به بیماری حصه کاسته شد و تلفات آن کاهش یافت.

گوناگون تاریخ بود. نواقص و معایب بهداشتی سبب می‌شد بیماری‌های واگیردار به صورت کامل ریشه‌کن نشود. بیماری حصه در دوره پهلوی از جمله بیماری‌هایی بود که در شهر اصفهان بروز کرد و شیوع آن ناشی از رعایت نکردن بهداشت آب بود. دولت پهلوی با اقداماتی نظیر احیا، بازسازی و لایروبی قنات، جلوگیری از شست‌وشو در نهرها و پوشاندن



تصویر ۵. اطلاعیه شهرداری اصفهان درخصوص دستورالعمل جلوگیری از بیماری حصه (۸۹)



تصویر ۱. تذکرات لازم بهداشتی از طرف اداره کل بهداشتی اصفهان برای جلوگیری از شیوع بیماری حصبه (۹۰)

تضاد منافع

این مقاله هیچ تضاد منافع ندارد.

پی‌نوشت‌ها

کلمه مادی، در گویش عامیانه مردم اصفهان به جوی بزرگ و مجرای آبی گفته می‌شود که از رودخانه برای زراعت و کشاورزی و یا مصرف شرب اهالی شهری جدا می‌شود و این واژه به لفظ فارسی قدیم به معنای ممر و مجرای آبی است که از رودخانه کوچک‌تر و از نهر بزرگ‌تر باشد، کلمه

مادی در اصفهان نیز اصطلاحی محلی یافته و به صورت نهر آب درآمده است.

آمدی قمش: محل انشعاب این مادی بالاتر از نهرهای سابق و معتبرترین آنها است، زیرا محل انشعاب آن از زاینده‌رود چشمه‌ای وجود دارد که اگر در خشکسالی‌ها شورابه‌ای هم به آن نرسد، از چشمه آن، که در صحرای دراز مزارع درجه واقع است، به قدر یک نهر کامل آب می‌جوشد و پس از جاری شدن، باغ‌ها و مزرعه‌های متعلقه به خود را سیراب می‌کند.

References

1. Mahboubi Ardakani H. History of new civilizational institutions in Iran. Tehran: University of Tehran; 2000. Vol.2, P:133-134. [In Persian].
2. Heidari S. Cause investigation of the outbreak of typhoid in Iran during 1320-1324 Hijri Shamsi. Journal of Research on History of Medicine. 2016 Aug 1;5(3):157-170.
3. Nadim M. An investigation into a medical report on typhoid in Shiraz in 1322 Solar Hijri (1943 AD). Journal of Research on History of Medicine. 2016 May 1;5(2):109-116.
4. Bonakdar SM, Dehghan Nayyeri L. The health status of Isfahan during 1825-1981. Iranian Journal of Medical Ethics and History of Medicine. 2011 May 10;4(3):9-26.
5. Palmqvist E. Combating infectious diseases in Iran. Translated by Shahroudi H. Tehran: Department of Health; 1952. P:51-52. [In Persian].
6. HelmSeresht P, Delpisheh I. Principles and basics of environmental health. Tehran: Chehr; 1992. P:119. [In Persian].
7. Library, Museum and Document Center of Iran's Parliament. No. 5/135/26/94. P:1. [In Persian].
8. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 291-993. P:11. [In Persian].
9. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1928. No.11, P:3. [In Persian].
10. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1930. No.339, P:2. [In Persian].
11. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1932. No.757, P:4. [In Persian].
12. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1932. No.831, P:1. [In Persian].
13. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1933. No.844, P:2. [In Persian].
14. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1933. No.853, P:4. [In Persian].
15. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1936. No.1135, P:4. [In Persian].
16. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1936. No.1136, P:3. [In Persian].
17. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1936. No.1137, P:1. [In Persian].
18. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1936. No.1150, P:2. [In Persian].
19. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1936. No.1159, P:2. [In Persian].
20. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-339-397. P:2. [In Persian].
21. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-264-1534. P:5. [In Persian].
22. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-1604. P:11. [In Persian].
23. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-339-1545. P:5. [In Persian].
24. Safinejad J. Baneh, Collective agricultural production systems before and after agrarian reforms. Tehran: Toos; 1901. P:272. [In Persian].
25. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 293-80377. P:17. [In Persian].
26. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-339-2066. P:13. [In Persian].
27. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-339-1823. P:3. [In Persian].
28. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 293-82866. P:19. [In Persian].
29. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1933. No.839, P:3. [In Persian].
30. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1934. No.1016, P:4. [In Persian].
31. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-11624. P:10. [In Persian].
32. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-9834. P:5. [In Persian].
33. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-10777. P:7. [In Persian].
34. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1931. No.631, P:4. [In Persian].
35. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 291003095. P:7. [In Persian].
36. Organization of Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran. 291001194. P:8. [In Persian].
37. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 290-1192. P:16. [In Persian].
38. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1932. No.776, P:3. [In Persian].
39. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 291002072. P:15. [Persian].
40. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1932. No.810, P:1. [In Persian].
41. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-2096. P:12. [In Persian].
42. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 291-3095. P:9. [In Persian].
43. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 291-1885. P:3. [In Persian].

44. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1930. No.484, P:2. [In Persian].
45. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1933. No.855, P:1. [In Persian].
46. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-339-354. P:13. [In Persian].
47. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 293-79211. P:6. [In Persian].
48. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-10015. P:20. [In Persian].
49. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 291-1224. P:8. [In Persian].
50. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 290-5371. P:3. [In Persian].
51. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1928. No.13, P:4. [In Persian].
52. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1930. No.483, P:4. [In Persian].
53. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1932. No.756, P:3-4. [In Persian].
54. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1932. No.821, P:1-5. [In Persian].
55. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; No.1167, P:2. [In Persian].
56. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; No.1180, P:3. [In Persian].
57. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1936. No.1186, P:4. [In Persian].
58. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1936. No.1187, P:2. [In Persian].
59. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1937. No.1254, P:3. [In Persian].
60. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-339-933. P:10. [In Persian].
61. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-339-1999. P:14. [In Persian].
62. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1940. No.1254, P:4. [In Persian].
63. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1937. No.1254, P:3. [In Persian].
64. Hashemi Fesharaki D, Zamani M. Municipality and Municipality Documents of Isfahan from the Constitutional Revolution to the Islamic Revolution. Isfahan: Cultural recreational organization of Isfahan municipality; 2011. P:261-308. [In Persian].
65. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1929. No.282, P:2. [In Persian].
66. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1929. No.300, P:1. [In Persian].
67. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1933. No.860, P:4. [In Persian].
68. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1934. No.935, P:4. [In Persian].
69. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 291-000639. P:19. [In Persian].
70. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-1549. P:10. [In Persian].
71. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-1551. P:12. [In Persian].
72. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-1568. P:9. [In Persian].
73. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1930. No.330, P:2. [In Persian].
74. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1930. No.330, P:4. [In Persian].
75. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1932. No.829, P:3. [In Persian].
76. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 291-002092. P:18. [In Persian].
77. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1932. No.822, P:4. [In Persian].
78. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1935. No.1051, P:1. [In Persian].
79. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-11381. P:21. [In Persian].
80. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-12075. P:25. [In Persian].
81. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-17862. P:3. [In Persian].
82. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-3294. P:23. [In Persian].
83. Etehadehi M, Malekzadeh E. Health and health charitable activities during the Reza Shah period. History of Islam and Iran. 2009 Oct 23;19(3):1-25.
84. Mohseni M. Basics of Health Education. Tehran: Tahori; 1996. P:72. [In Persian].
85. Saifpour Fatemi N. Isfahan: Bakhtar Newspaper. 1941. No.563, P:5. [In Persian].
86. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1930. No.344, P:2. [In Persian].
87. Amini A. Isfahan: Akhgar Newspaper; 1937. No.1292, P:3. [In Persian].
88. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 97-293-12075. P:3. [In Persian].
89. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 291-2077. P:6. [In Persian].
90. Tehran: National Library and Archives of the Islamic Republic of Iran. 290-2192. P:18. [In Persian].



Prevention and prevalence of typhoid during the first Pahlavi period (1925-1941 AH)

Matin Sadat Eslahi^{a*}

^aDepartment of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

Typhoid (typhoid) is an infectious diseases, which spreads by lack of hygiene and use of contaminated water. Due to unfavorable health conditions, the prevalence of this disease was higher in Isfahan than in other cities of Iran. In this regard, the health status of Isfahan and the measures taken will be investigated to prevent the occurrence and spread of typhoid disease. Data was collected through scanning historical books, documents (Organization of Documents and National Library) and the local newspaper of Isfahan published in that period of time (1925-1941 AH). The findings of the research show that the Pahlavi government was able to prevent the outbreak by taking effective measures such as revitalizing, renovating and dredging the aqueduct, preventing washing in the streams and covering them, organizing refrigerators, adding showers to the bathrooms, building a laundromat, vaccination and health education. The results of the research show that health problems during the Pahlavi period caused the spread of typhoid in Isfahan. In this context, the recent health initiatives implemented by the Pahlavi government significantly decreased the incidence of this disease and the mortality associated with it, thereby contributing to an enhancement in overall health conditions and the prevention of typhoid.

Keywords: Typhoid fever; Communicable diseases; History of medicine

Corresponding Author: eslahimatin6@gmail.com